

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شهاب برهان
فرستنده: فرح نوتاش
۰۸ اکتوبر ۲۰۲۰



شرم باد از شهرم تبریز! "مرگ بر ارمنی! مرگ بر ارمنی!"

امروز، ۱۱ مهرماه [میزان] ۱۳۹۹ برابر با ۲ اکتوبر ۲۰۲۰، در برنامه ای از "Günaz Tv" ویدئوهایی از تظاهرات عصر دیروز در تبریز و برخی دیگر شهرهای آذربایجان نشان داده شد که برای ابراز همبستگی با جمهوری آذربایجان در جنگ با جمهوری ارمنستان و در دفاع از حق حاکمیت آذربایجان بر قره باغ فراخوانده شده بود. من شخصاً قره باغ را جزئی از خاک آذربایجان می دانم و ضمن محکوم دانستن اشغال آن از سوی جمهوری ارمنستان، خواهان آزادی قره باغ از اشغال هستم، بی آن که سر سوزنی در این مناقشه و جنگ، خود را در جبهه حکومت استبدادی و فاسد الهام علی اف و متحد او اردوخان بدانم.

از ویدئوهای تظاهرات دیروز به جز شعارهای "قره باغ بیزیمدیر، بیزیم اولاجاق" (قره باغ مال ماست، مال ما خواهد ماند)؛ "بیز اولمگه حاضیریک، بابکین سربازی بیک" (ما حاضریم بمیریم، سرباز بابک هستیم)؛ "یا الله، بسم الله، الله اکبر!"؛ و غیره، دو شعار دیگر هم در خیابان های تبریز طنین انداز بود که باعث تأسف بسیار من شد: "کورد، فارس، ارمنی؛ آذربایجان دوشمنی" (کورد و فارس و ارمنی، دشمن آذربایجان) و شعار فارسی "مرگ بر ارمنی! مرگ بر ارمنی!"

نه کورد تجاوزگر و اشغالگر، بلکه کورد به مثابه یک هویت انتیک؛ فارس، نه پان فارس پان ایرانیست سرکوبگر و ستمگر بر اتنی های غیرفارس، بلکه فارس به مثابه فارس زبان؛ و ارمنی، نه رژیم دشناکسیون اشغالگر جمهوری ارمنستان، بلکه ارمنی به مثابه یک مذهب – اتنی را دشمن آذربایجان قلمداد کردن، همان پان تورکیسم است که هیچ

تفاوتی با کورد آیتی و پان فارسیسم و دانشاکیون ندارد؛ یک ناسیونالیسم ارتجاعی استوار بر هویت انتیکی که جز در تضاد و تقابل با هویت های انتیکی دیگر و جز در نفی موجودیت آن ها تکیه گاهی برای هستی و اثبات خود سراغ نمی کند. میلیون ها کورد، ده ها میلیون فارس در داخل ایران و در اپوزیسیون خارج از ایران وجود دارند که نه تنها دشمن آذربایجان نیستند، بلکه مخالف سرسخت سرکوب ها و تبعیضات انتیکی و طرفدار حق ملل (انتی های) ساکن ایران برای تعیین سرنوشت خود هستند. بسیج (ملل) انتی های تحت ستم و تبعیض بر محور هویت انتیکی، بادریدن هویت انتیکی به جای بسیج آن ها برمدار دفاع از حقوق انسانی و شهروندی و ملی خود، هیچ جهت و محتوای واقعی و عملی به جز صف آرائی هویت در برابر هویت، برتری نمائی های هویتی، تقابل و خط و نشان کشیدن های انتی های همدرد و هم سرنوشت علیه یک دیگر به جای همبستگی و همدستی علیه دشمن مشترک که رژیم و نیز جریانات پان فارس و پان ایرانیست است، نداشته است و نخواهد داشت. ارزش مساوی و برابر حقوقی همه هویت های انتیکی را باید به رسمیت شناخت و بازو در بازو برای احقاق حقوق ملی رفع تبعیضات و تعیین سرنوشت خود مبارزه ای همبسته را به پیش برد. مبارزه را با بر اساس هویت انتیکی و نه دفاع از حقوق ملی به پیش بردن، نبرد را از جبهه انتی های تحت ستم علیه رژیم ستمگر پان فارس پان ایرانیست، به جبهه جنگ درون انتی ها منحرف می کند، چیزی که بدبختانه چندیست که در رابطه میان برخی جریانات کورد و آذربایجانی و امروز با کمال تأسف در شعار بس تأسف بار و خطرناک و غیر قابل دفاع تبریزی ها علیه ارمنی ها شاهدیم.

بگذارید از ارمنی های ساکن در تبریز بگویم و ختم کنم. خانواده من ده سال در تبریز در محله "بارناوا" یا "بارون آواک" زندگی کرده است. تقریباً همه همسایه های ما ارمنی بودند. پدرم به لحاظ شغلی خیلی بیش از ده سال با ارمنه چه در تبریز و چه در جلفای آذربایجان کار می کرد. در تمام این مدت ما هرگز کوچکترین آزاری و یا رفتاری و گفتاری نامطلوب از ارمنه ندیدیم. ارمنه تبریز، انسان هائی بسیار شریف، زحمتکش و مولد و مفید بودند. در آن سال ها هرچه تعمیرکار رادیو، یخچال، و وسائل برقی، فقط ارمنی بودند؛ اولین خشکه شوئی و لباسشوئی ها، اغلب مکانیک های اتوموبیل، باتری سازها، آرمچیر پیچ ها، دیناموسازها، تراشکاری های فوق تخصصی میل لنگ و میل بادامک ... و بگذریم از تولید کنندگان بسیار ممتاز و با کیفیتی چون قنادی ها و نانوائی های بی رقیب، همه از ارمنی ها بودند. در زندان تبریز حتی یک ارمنی به جرم دزدی و قتل وجود نداشت. با این که در تبریز ارمنه هم در شکاف طبقاتی کل جامعه، فقیر و غنی داشتند، اما حتی یک گدای ارمنی، یک انگل ارمنی در این شهر وجود نداشت. در همینجا می خواهم از پزشکی ارمنی به نام "هراند" یاد کنم که در محله "پاساژ" تبریز مطب داشت. این آدم ارمنی (که گویا اگر زنده می بود به خاطر ارمنی بودنش شامل شعار "مرگ بر ارمنی" می شد مطبش در خانه قدیمی تبریزی (دوطبقه با حیاط وسیع) قرار داشت. پدر بیمار من و دیگر اعضای خانواده ما تا مدتی به او مراجعه می کردند و پس از مدتی تصمیم گرفتند دیگر به مطب او نروند. چرا؟ چون نوبت نمی رسید! دکتر هراند همه فقرای تبریز و روستاهای حومه تبریز را رایگان معاینه می کرد و غالباً اگر داروهای مناسب در قفسه اش می داشت به آن ها می داد. هر وقت - بی استثناء هر وقت تا دیرقت شب - به مطب دکتر هراند می رفتی، دورتا دور حیاط بزرگش روستائیان ژنده پوشی چمپاتمه پشت به دیوار آجری نشسته بودند و دکتر هراند تو را - هر که بودی - جلوتر از آن ها نمی پذیرفت.

و از لئون سرکیسیان یاد کنم که ارمنی مهندس برق بود و از وقتی در ترکیه پدرش را جلوی چشمان کودکان اش سر بریده بودند، اندکی هم "خل وضع" شده بود. او تنها مغازه تعمیر رادیو را در تبریز داشت که از همه اطراف تبریز سراغش می آمدند. او یک دستگاه تنظیم امواج رادیو داشت که بتواند موج رادیوئی را که تعمیر می کند روی فرستنده تنظیم کند. مأموران تورک آذربایجانی شهربانی ما هر از چند ماه یکبار می آمدند او را با این دستگاهش به جرم ارتباط

با شوروی با خود می بردند، وسط راه ۵ تومان می گرفتند و رهایش می کردند. ستم تورک های ترکیه و تورک تبریز به این ارمنی زحمتکش خدمتگذار به آذربایجانی ها در کدام دفتر ثبت است که بگوئیم "مرگ بر ارمنی!"؟

من تبریزی چطور می توانم شعار "مرگ بر ارمنی" را از زبان تبریزی ها هضم کنم؟

راستی، شما که می گوئید پان تورک نیستید و تورک و توران مسأله شما نیست، فقط آذربایجانی هستید و آذربایجان دغدغه شماست، بسیار خوب، ملاک آذربایجانی بودن چیست؟ ارمنی هائی که از چند نسل پیش در تبریز به دنیا آمده اند آذربایجانی حساب نمی شوند؟ آن ها با چتر از "هایاستان" (ارمنستان) پیاده شده اند؟ ارمنی های تبریز حتا اگر همگی در ته دلشان عاشق ارمنستان باشند، در عمل و حتا در این معرکه جنگ میان دو جمهوری متخاصم، با شما تبریزی ها چه کرده اند که مستوجب شعار مرگ باشند؟ خودتان را به جای آن ها بگذارید که یک جمعیت کوچک در محاصره شعارهای مرگ و مرگ قرار گرفته باشد.

مردمی هیچانی که به کوچه و خیابان می ریزند بسیار محتمل است شعارهای نسنجیده هم بدهند، اما از کسانی همچون مفسر "گونا تی وی" دربرنامه یاد شده که به مردم آذربایجان نصیحت و رهنمود داد که شعارهای انحرافی ندهند تا دشمن سوءاستفاده نکند، انتظار می رفت به جای برخورد هویت محوری با دستگاه سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و گفتن این که: "نیروی انتظامی، سپاه، بسیج آذربایجاندا، سیز اذربایجانلی سیز" (... شما آذربایجانی هستید)، این شعارهای به غایت انحرافی را مورد عنایت و نقد قرار می داد و روشنگری می کرد.

مرگ بر ارمنی! زنده باد نیروی انتظامی و سپاه و بسیج آذربایجانی!

هارای! هارای

ارسال شده از طرف: تریبون آزاد

اخبار روز - سایت سیاسی خبری چپ

شنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۹

ساعت ۲۹:۱